

جای اداره کسان

سر دبیر میرزا علاء الدین کمانی

مکاتبات و مکاتبات

بعنوان ذیل ماست

فومن . جنگل

را چهار فرط طبع و توزیع خواهد

کتاب و هفت شباهی

کتابخانه

۱۳۳۵

تاریخ بوم در شنبه یازدهم مهر سال ۱۳۳۵

تخصیص اجرت لوازم و محتاجات

خصوصی با دفتر اداره است

مکاتبات بدون مضامین

و عنوان پذیرفته نشود

در اشراک به سایر مجله در دسترس

قیمت اشراک

یکبار

قران

این روزنامه فقط بحکام بمان حقوق ایرانیان و متور افکار اسلامیان است

مدیر مسئول حسین کمانی

کله های سیاسی - زندگی ملتگی

در دنیا حرفه ای یافت شوند که آن در اولین روزهای که با آنها آشنا می شود با یک قدم سریع بسوی آن شافته توگونی آن مشغول ترپ بازی است و آدم کو درک قولش سهل است و با جدا به مشتری را بطرف خود میکشد ، بقدری این بازی مطبوع طماع می شود که در ماههای اولین احوال خالی است و توسیر نشینی باره نرم ، نازک ، لطف ، ابد استقل کاری میانش گویانیت فاضله برای هموطنان عزیز که در این دو قرن اخیر هر که با سر راه کله های سیاسی تجارت مزبور دست زد ابد او در خود نقص و احتیاجی ندید تنها انصافی که گاهی بخرج مید و کی تجربه را لیگانه حایل برق شبر خود میدانت تو بخیرین بسلامت محض ما شهباد و شیکه تا جو پیک در طاق خویش اندکی استراحت میکند به موجب یکد مسیح

تا تابی در کار خود نمی بیند و در پیش شمشیر می خانه بی ملک می مستقل است که در قید میکند بی بارک بی آب سی فراط می آب و گلاس که در شیل است که در برابر زکس شهلا می خود محبت می کند سیح قطع با بی شرط ، و دخل ای شروع دیگر است گران تا گران محیط منظرش را مملو ساخته فتهای کی بشکته نفسی و حسن خلق معتقد است یکی بزبری و درستی « نهنف الظلم از چه بگفت سوهانم ، آه راحت آه شهوت رانی چه پانچ و لگشا و نظره تشنگی دارایی که لا یدیه سرمست و ندیده مشتاق تو است » کاشش مرحوم والد الاقل صد سال زودتر ما را مباحث کاشش صد سال پیشتر قدم باین مقام فیع میگذاشتیم کاشش در کم صد سال دیرتر از اینجا بروم اگر رفتن حسی است که مسکوبید راه پر خطیبت ؟ راجعت این

وامان که میگوید کار ملکیت با کایت سهل و آسان کنانی در همین وطن بلاکش نماند هنوز
 وزارت نرسیده چند وزیر میراثند لا موش لوبخ
 نیرفت جاره و بر ابرام بدمش است « هر که میاید باید
 و هر که میرود برو و حاجب و در بانی میت سابق
 بر این جبهه لوله کاغذ و فلکان بود حالانکه و کل
 است و یک دست لباس سیاه فرنگی
 است آنت یکی لاس است بر سر این کار شهر
 نوی و سبک قدیم ظاهر سازی کرده (یعنی
 فقط در چند صباح آقامت طهران) یکی دست
 و بیج از دامن فرنگی قدم وزارت می بند اینها هم
 که اشکال تراشی برای کار هم نمیشود
 البته همه شیده اند لا انسان یک شب است
 و بازی بکد است « یک وقت برای یک تل بلغم
 پیش میاید که کار وزارتش بالا بگیرد و شکر
 میخواهد از وزارت بر نیابت سلطنت هم میرسد
 و فلسفه نامیافته مثلا میگوید « من نباید ماشین
 امضای یک اطاق بوم « یک روز خیلی نزدیک
 همان کس را که از ماشین امضا شدن اشاع
 داشت می بینی باز می چپ جانب است
 شکستل سینه اش قائم اردا چشم و تیز دندان !!!
 کار که اینقدر میدانش وسیع و راه های طبعی
 برایش باز است آنکار را می شود مشکل شروع و سهل
 سر که که از آب شد تر باشد « افسوس که لا فیه
 و دل آنکار هم یک جریمت یک ذره اقبال یک
 جزئی نیست کار
 اینها را بچه چپ پا و سردمان بی سرو بی پا و صر
 پنجره که پنجاه از پنجه و پشت دست را از روی

دست تیز نیند بند شهرت میدهند که در این
 چند سال اخیر ایرانیها موفق شده اند که حقوق
 وزیر را گویا مایه پانصد تومان معین کرده اند
 ای تو گشتی و من هم باور کردم راه باین نزدیک
 سر و باین زیادوی نه آقای عزیز رشوه ها، خالصه ها،
 جریمه ها، حق التسکوت ها، حق الطوق ها، خونهها
 و چه مصالحه اہمیت حق امتیاز ها و غیره و غیره غیره
 که اگر در دست بیاطن کار نگاه کنیم ذخیره های
 پول طلا و بانکها، مواد صنعتی و مواد معدنی،
 کارخانه های نساجی اروپا بلکه مد اعلمای دولت
 از اردنخواه صرف متقدن آمریکا از این جنگ
 اروپا هم بگردد شس نیرسد
 چیزی که است یکی از چهارشنبه خوشحال است یکی
 قدری ناراضی و تفاوت صند در اینجا است
 آنچه منافع اروپ و سرمایه داران اروپایی
 چنانکه میگویند بر نور طبیعت کار سرمایه
 تحصیل فریاد میشود و اشغال این مندر هم هیچ
 سرمایه هیچ کار لازم ندارد و یا بخت باطالع
 فی الحقیقه بعضی از زنه راضی منیم تا از نو چهار ماه
 در میان گل عوطه میخورند و مردنایشان سانه
 های تو را بر زیر بار مشقت و محنت میدهند یعنی
 از مردم این را با چکش نرم میخواهند بکنند
 یکی فریاد میزند یکی میدوید یکی میدوید یکی میرود
 یکی بنویسد یکی نقاشی میکند و دیگری بخاری
 مشغولت القصد حاصل تمام زحمات کنال
 این نمره مردم که با پهلوان زندگی در کش و
 فرسند پس اندازت بد کهنه ما است
 چرا؟ زیرا که ما که نیاسی داریم و تجارت پلنگ شویم

بیشتر عدل اگر خواهی بیایا با بیخانه چندی با ما
 باید بود تا خوب بخوری خوب بخوابی خوب بپوشی
 خوب بنوشی خوب بروی خوب تر بیانی اگر هست
 سالخورده است و خزان خرد و سال حتی پسران
 نوزده سال نه ده نه صد هزاره بی. بابا باید بود
 که بیسج محکم حق محاکمات نداشته و مرده بخواب
 کبکی بابا باید بود که ظفیف کارل بازگس را بیخانه
 معمول داری از غاشبه و گوشه کنار ای وطن
 مواضع میکنیم (تا سر حدی در عالم نباشد) و محکم
 حق تو گفتن باید کرد بابا باید بود که گامی دوست
 صدیق این و گامی چاکر شفیق آن قیم شری
 هستیم بابا باید بود که سواد فارسی و عربی
 صحیح زبان بیسج سواد صحیح کمال صحیح علم بیخ
 لازم نباشد حسن خدا داد ترا بهوده به برگ
 معطل کن مرچه را امضا کردم ملک ظنون
 طرف است سرچوبانی است مال حلال ما
 چه بیست طبعی یا عارضی است که سر سر ابراز
 و اگر فدا؟ چه هم و غم است که در این محکمه
 عمومیت پیدا کرده؟ چه تغییر و تبدیلی است
 که در گامه و زرامید مند؟ چه خونما است که
 در راه افتتاح دارالتورایی کبری ریخته میشود؟
 یامرگ یا اسکناس باقی سرچوب است افغان
 چه مدد چه تحصیل چه دبانی چه شرافتی
 چه عیسی چه وجدانی چه استهاری چه قیدی
 و چه دلبستگی مند و شان یکصد سال پیش
 بهتر بود یا مند لآن مصر پنجاه سال پیش
 منظم تر بود یا مصر امروز ما بخوردی بیست سال
 پیش بهتر است یا جمهوری عالیته کرده ده سال

پیش گواری تر بود یا کرده تازه تصفیه شده
 خیابان علاءالدوله.
 ای عجب من بیست سال قبل معمول تر بود
 یا در دهه اتسه اینجه ضرر بود به لها، بخشها.
 مالیات امیکه پروا ختم اعانه نانیکه دادیم
 مصارف دست بندی تومان سلی مخارج
 عین حضرت ما و سیهانی، مگر توانسته
 چشم زخمی بعبادت اطلاق ما با هم پلان
 خود قابل بزند کدام سرمایه دار کدام با کمال
 کدام صاحب صفت توانسته است نعل
 توشن ما را در جولان به پند کمال روسی حرف
 میزدیم یا شبیه قوی میا سو ختم ایک انگلیسی
 در دوات تو دین یا در خواهم گرفت یا اشتها
 یامرگ.
 تمام زیاد های اسر حرام جراید تمام نطقی
 رفت انگیز چهار نفری سر و بی با تمام ناله های
 ایالی گیلان و سکا بن با بجه ایران سرگر
 های مردم (کرم تو) نام دشناهای مردان
 (لعنوا) سان بانگ پیره زن است و گوس
 شتر زبورک خانه.
 برای باسج خانه عدل ایجاد نشده وجود دارد
 هرگونه مجازات این است با او بهر سیرتی که درید
 با تو میل خود و نه چهار نفر مستحق بجانب او
 سپاریم ما را که اگر شتم سرای او و جرایم بیست
 فاسده او است اگر صد سال کی از ما را بکشند تیرده
 و چندین ستون جراید آدم ذیب اندر دنیا برای توبه
 داری و سوگواری ما آماده و هیاست زیرا
 نگه ما سیاسی است و زندگی ما پستی !!!

واردات داری

آنچه ذیلاً بعرض قارئین گرام میرسانم سواد
مکتوبی است که آقای سپهسالار اعظم یکی از محارم خود
واده مشارالیه تیرگی درنگ برای اداره روزنامه جنگل
و نسا و فقط در مکتوب خود جملات چندمی نوشته است
و آقای سپهسالار این مکتوب طائفاً رانقطه که مبداء
نوشته چنانکه چندمی قبل روزنامه روسکی اسلو
نوشت بعد از آن اقتضاح گو باریت پس بگرد
چنانکه مجر روسکی اسلو نوشته اند سپهسالار بختی که
من میدانم و او سواد این مکتوب را بمن واد من بم
نام روی نگرده برای شما میفرستم بدید در روزنامه
درج کنند ولی چون یک سواد می بینت و هیچ
مدکی شاکه در جریه جنگل همیشه برای اطمینان
خوفندارید شاره اگر لازم است در اینخصوص
بکنید اینک ما میگوئیم

یک سواد می بینت

سواد هر یک سپهسالار اعظم با در دست ۱۲ اوت واد تاریخ ۱۳

برج به ۵۳۴۴ نمره ۲۳۲۹

با نهایت توقیر و احترام از وصول مراسله شما تین
دولتین فیمین روس و انگلیس مورخه ۱۹ ژوئیه
۱۹۱۶ راجع به پیش نهادیکه متضمن اصلاحات امور
قانونی و مالی دولت علیه است زحمت افزاگر دیده
با نهایت شرف و مسرت و اظهار امتنان قلبی از اینکه
دولتای روس و دولتین فیمین با حسن وجه و نظر مسرت
تیمیزی این اصلاحات را در نظر خود قرار داده و
ولیا، دولت علیه را از اجرا این اصلاحات
که متضمن ترقی و تعالی این مملکت و بطاعت و درود
ایران است کمک و مساعدت نمایند جواباً بتمنای

خواهر محترم اولیا، دولتین فیمین میرساند که ای
دولت علیه با نظر توجه به پیش نهادهای مذکوره که گریسته
نظر با وضاح کنونی افروخته قبول مینماید که مندرجات و
نظامی بعد از مدت هفت هزار نفر در سخت تعلیم و تربیت
عده کافی معلمان نظامی روس و انگلیس تحت امر
وزارت جنگ دولت علیه ایران مکمل گردیده
باشطام و استقرار امنیت عمومی بر درازند و ازین
ساعت اولیا، دولتین فیمین روس و انگلیس
در اغرام و استخدام معلمان و پرداخت مخارج لابنه
این تسکيلات که متضمن مساعدت مالی باین دولت
است مرابب مسرت قلبی خود را اظهار میدارد
در این موقع خاطر نشان میکنم که تسکیل یک عده
نظامی با بودجه معادل باسی بیت هزار تومان بعد از
قوانین نظامی فوق الذکر مد مرکز تربیت و تسکیل
خواهد یافت و خواهی حاضره مرکزی هم از هر قبیل
حائقه وارد روی جدید برقرار و ناموقی که قوا
نظامی تحت تعلیمات معلمان روس و انگلیس تسکیل
خواهد یافت باقی خواهد بود راجع با اصلاحات امور
مالیه دولت علیه ایران بوسید بط و توسعه
اختیارات کمیون مختلط مالیه مطابق سوادیکه
بضمیمه این مراسله ارسال فرموده بودید صحیح
است و دولت علیه قبول مینماید توضیحات عرض
میشود که این کمیون از این تاریخ به بعد خواهد
بود از اینک اولیا، دولتین فیمین مساعدت
و کمک مالی را بر پرداخت باسی مبلغ دولتی
هزار تومان برای مصارف جاریه تصویب قبول
فرموده اند فتهای مسرت و خوشوقتی حاصل
گردیده و امید دارم است چنانکه مردم نوم زود

ایده در اجراء پرداخت مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم
 اتباع خارج کیسین بر زودی موفق گردد و از طرف
 سفارتین فحمتین هم در این باب مساعدتهای لازم بعمل
 آرد اولیاء دولت علیه ایران این بر ذرات
 مودت آمیز را که حاکی از نیات صادقانه و توجه
 قابل تقدیر اولیاء دولتین فحمتین در ترقی و تعالی
 این مملکت است با نظر خوشوقتی و صمیمی تلقی کرده
 امید دارند که از این بذل مساعدت و موافقت
 معنوی ساعی و جاهد بوده از کمک و مجاهدت
 در پیشرفت نیات حسن اولیاء این دولت صانع
 نمایند در فائده از ذکر این نکته ناگزیر است که
 با رعایت مقررات و این اساسی تکلیفات دولت
 ایران بر آن است و نظر بر ماده مقوده قانون اساسی
 این مشیاد با در موقع افتتاح مجلسین شورای ملی
 و سنای مقرب و تصدیق مجلسین خواهد رسید.

ولی الله اعلم یا محمد ولیمان سپهسالار اعظم (رضی الله عنه)

جنگل

با بیکر بیاتخر و تاسف سواد کتوب یک خان
 دین و دولت را عوضه انظار قارین مینانم و چاکر
 آزا بود جان قارین پاک فطرت و اگر ای میکنم
 از مقام رئیس الوزره ای یک مملکت که در ملک
 اخیر بد دولت ایران خود را سلان فارسی یا
 این او هم معرفی کرده آیا یک چنین کتوب میوم
 محوس سزاوار است! امید داریم شاه آله که
 باشد و بیعت محمد ولیمان نصر السلطنه ملی
 اعظم با روح مساعد الملک قدرت کند که چنین
 مصلحت بدست هیچ دولتی داده و خود و پشت گونا
 قریب بدگرنه من غریب مشغول باشد.

ادبیات

نقده (اشرف الدین آگینی)

دست مزن چشم به بستم دوست
 راه مرو چشم دو پایم سگت
 حرف مزن چشم به بستم و بن
 نطق مکن قطع نمودم سخن
 بیج مضم این همه عنوان مکن
 خواشش بغیبی انسان مکن
 لال شوم کور شوم کور شوم
 لیکت محال است که من شوم

چند روی همچو خزان ز بر بار
 سر زلفهای بشریت برار

بقیه از شماره پیش

اینک بقیه مندرجات یک قسمت نظم انشاء
 پنج میگویم مملکت چه در وحشی نودات و در اوصاف
 آفرینیک چه در آباد تر و معمور تر نقاط بر این پارس
 و لندن محتاج بیک حاکم مقدر و دروسای ادارا
 و در امر قانون جاری مملکت است حاکم یک
 و بند مظم مثل رشت نباید تا زالی بر قصد
 انظرف حاکم نباید بنیر از اجرت قانونی های بیخ
 بنگفت و دخل غیر مشروع برای شهوت رانی
 خویش تهیه کند.

در اینموضع روی سخن بجانب هموطنان غلامانی
 رشت است که آن حکیم بزرگ و مودده لا و اند
 شرکت الا درین و این بشیاد با تهدید با
 و دخل و تصرف های غیر مشروع چیست که با بگردد
 وقت میکنیم اگر حکمران محل اعتماد دولت است
 و دولت محل اعتماد است چنانکه در این چند

تا اخیر مخصوصاً نیت مجریه یعنی کاپنه در زای عالی
 و جابت ملی تام دارند پس باید زمام مهام مملکت
 را کثوری و شگرمی کف اقتدار دولت سپرد و اولادنا
 مجاز از ازان ناحیه شطر بود و گریز یک تهنه نه
 و خریدن یک شیشه رنگ قرمز و قین یک اسم
 مجازات ، نجات ، و غیره و غیره از سرانجن
 پشغری هم بر میاید نباید کارنا از مجرای قانونی خارج
 شود بجان عدوی که در پانزده سال قبل خانها
 بود که در صبح در ب خانه باز شد و صاحب خانه
 دخل و تصرف در تمام امورات حکومتی و نظامی
 پلیکی و سیاسی میکرد و اسم مقدس نیت یعنی
 هد نام بود امر و می توان گفت نه در صبح در شها
 مجمع ای نیت آورد است بعوض آنکه بنام وطن
 و شکل پارتی و حزب خدمت ایران میکنند شاید
 در بعضی موارد کار میکنند که صدر مت بروج
 مرحوم منصور خلد آشتیان حاجی نائب رضا و اشایی
 قدیم است

نه یا شبیه قومی می نفر جمع میشود و بنام یک
 حزب عالی و قومی با عدم اطلاع و بصیرت از مرام
 و مقصد کلی ، و حقوق عمومی ، اصول اقتصادی
 یا طرز اتفاق بدون تعیین طرز روش و نیت
 احترام اقتدار مملکت را لنگه کوب پاسی جهالت
 و نادانی کرده دل با هم خوش است که دولت
 مستبد را مشروطه کرده ایم .

جمهورستان

برافت و حس وطن پرستی سو کند با آزادی
 و برابری و برادری قسم اشتباه است اگر بکنند
 چند ذرع پارچه سفید باد غامی ریاست روحانی

خراب میکرد و راضی نباید شد که امروزه جنگل
 یا اغراض شخصی مکنند باید آموخت آنگاه کرد
 «اول اینده و نگی گفت.» ما با سر قوه که داریم یا
 بتوانیم داشته باشیم بر علیه جوانهای بیستیم که فقط
 و فقط بنیال منافع شخصی کنونی چند را بدنام
 میکنند چنانکه همیشه تا آخرین نفس هم منکر برانی
 خواهیم بود که ابد اینخواهند اطفالشان پادشاه
 آردت نهند

چنانکه در شماره پنج گفتیم در رفتار باید مشرق
 دیگران بودند بگفتار و تمام گیلان و مضافات
 باید از امروز با یک روش ساده و نجات
 آرائی خاطر اولیای امور را از خود خوشنود داشته
 طوری خود را بصحت عمل بمقام نفع نیت در امر
 کند که اسباب افتخار و مباحث باشند و خاطر اولیای
 امور اطلاق از این رنگز آسوده باشد .

فکرانی که عنقریب از طرف حضرت وزارت
 داخله معین میشود مینظر مالیه و عدلیه و نیت
 و بلدیة کاغذ بدستور تهران حرکت کنند باید
 خود را بد و نتخواهی و دین داری معرفی کنیم
 هر که در این نیت مقدس با ما همی کرد ما
 صیانه او را از دل و جان می پذیریم هر که
 نصایح مشفقانه ما را نتخواست بپذیرد ما تا جان
 داریم با او می قبولانیم و ثابت میکنیم که عزیز ما
 دو سال و مدتی است ظل پذیر است ما در مقابل سوا
 چنانکه تا امروز در آینه هم کار می میکنیم تا بیاری برادران
 صالح پیدا با عملنا تمام گیلان و مضافات از هر نوع مزاج
 متصوره که گاهی دشمنهای اسلام ایران مدعی مستند
 مبرزی باشد پابنده با و قانون و عدل (بعینه دلمه)

طهران توسط حضرت اشرف قاسمی
مستوفی الممالک و امت شوکت مقام
منع هیئت وزرای عظام و امت عظمی
کوچیه نو بهار ایران

چون فدایان درین انقیاد و اطاعت از دولت
مقبوعه و ذات ملوکانه با عزم راسخ تقسیم قطعی نمودند
که سربالین راحت نهاده بایک نهضت و قیام
علی اصلاح امور ملکی و ترمیم خرابیهای گذشته را
بر طبق انتظار یک مملکت مشروطه از زمانه ایران
امور مملکت بخوابیم تا هر چه زودتر مشمول جریان
قانونی در وطن ما ایران مشاهده و موجبات سعادت
و فلاح فراهم باشد و در عرایض سابقه از زندگانی
نمایندگان صالح العلی قانونی اشاره شده و بدیهی است
ملکی مثل گسیلان با موقعیت خاصی که دارد در
صورت فقدان نمایندگان قانونی موثر خواهد
دیده است علیهذا استدعیات خود را مجدداً تقدیم
می دارند نمایندگان برای ادارات حکومتی و عدلیه
و مالیه که دارای حسن سابقه و بصیرت و طایف خود
بود و احوام فرمایند مخصوصاً مالیات ایضیفات و
غریب طوالش چندیت بجهت تاخیر افتاده بلیک
نواب جز و حکومت مرکزی وصول نمایند و از اینکه
مسئولیت بدون حقوق اجازه تفسیح می است
بدیهی است برای عدلیه و نواب جز و حکومت نیز
بوده و لو موقتی هم باشد تصویب خواهند نمود
اگر چه هیئت دولت جنوع با بوظایف خود آگاه
و ضمیرند لکن برای صیقل وقت استعدای فدایان
آنت هر چه زودتر در عرایض فوق بعین رعایت
نظر فرموده و برای شروع بانجابت و کلامی مجلس

مقدس هم که قلوب ایرانیان تشنه آن است و از
شده ت انظار و اشتیاق دقیقه شماری بنمایند حتی
فرمایند همچنانکه فدایان در اطاعت او امر مرکزی
بسیچ وجه خود داری ندارند بعین است اسفند
حاجات مشروع آنها شرح فوق هم از طرف
اولیای امور باید بعمل آید که کلکم رایج و کلکم سیوا
عن رعیت

خاتمه کار طالش

آقایانی که اسامی آنها در شماره پنج ذکر شده
و از طوالش بهر اه آقای امیر مقدر و آقای رشید
الممالک بگما آمده بودند پس از شش روز توقف
و تکمیل اساس اتحاد و رفع خشکی معاودت نهایی
که اقامت داشتند نمودند اینک بانجابت
اطمینان و اعتماد بقول شرانتمندانه آنها مشغول
که رفتار آینده آنها کاملاً با قوانین جاریه مملکت
موافق باشد و مشاهده اطاعت بانجام طوالش
با و امر مطاعه دولت داشته باشند مقصود از انجام
خدا کار بیانت است که تمام گسیلان از دل و جان مطیع
و منقاد او امر واجب الاطاعه دولت باشند
و گسیلان اولین نقطه باشد که در صحت عمل
در دستکاری سر مشق سایر امالات و ولایات
باشد ما امید داریم هیئت دولت هر چه زودتر
یک حکمران صدیق بی طمع در دستکار گسیلان
و ستاده و بطوریکه معمول است فوراً تائب
الحکومه به نام نقاطی کسبین است بفرستند که مردان
در کمال آسایش بد عای بقای ذات ملوکانه
اشتغال داشته باشند

چند لغت از فرهنگ

مهرشم عیار کسی را گویند یک پیش در باغ
فردوس طهران و پای دیگر در دات قزوین باشد
پلی فی سنین کیرا گویند هم نوره بشد هم دم
همینا بد هم

انحن کیرا گویند که در نیت باران که چند
روز است در کمال شدت دوام دارد بهانه
تصفیه امور آب در کتابین شاخ آن شاخ برود
و این پا آن پاکند

اندک ریج کیرا گویند که بواسطه یک کاغذ
پولی قاب و شمال (بقول بغیری در لندن العده
علی آزادی) از مثل سپه حالاری لشکر عمومی تجار
من برآمد

دورانیش کیرا گویند که بعد از تصفیه اقباضات
دنیاه و تصاحب ربع مسکون بفرآزادی ملل
در قیامت باشد

بیهوده گو در پیشگاه الکل معدیه سپار اعظم
و افیون دماغ سپه دار اعظم تمام جواید ابراز
گویند خاصه نوچشی ^{۱۳۳۵}
شیرین کار کیرا گویند که دسی را که در دیگر
فردوده نامرقی بلیتد

دم سکه کیرا گویند و قهیکه از همه اثر کهای محلی
تا بوس شد تمام اعوان و انصار او بناگاه بسته
گردند یا اطلاق شد و راه های فرار اگیلان
بنقاط معوره عالم و قمارخانه های و انس مه و شد
به تهران و از آنجا یکی از نقاط شمیران رفت آب
فک بخورد و فرود برند
بایسولیانی کیرا گویند که در کساده ۲۲ ساعت

بانه روز چهل و هشت ساعت بخوابد و در پنج دقیقه
بوم و بقیضه شکایت از بی خوابی بکند و برای
آنکه ضمناً ابراز مسله ماشی هم کرده باشد (بر نمود)

بطلبید
مالت انحر ملا محمد باقر لقب شریعت رشی مقیم
طهران را گویند

دنیامی بی اعتبار سال ۱۳۳۵ را گویند
چرخ کجدار غنچه سین حضرت اجل آقای معین الملک
سرگردان کیرا گویند که برغ محله شمیران تهران
قناعت کرده در فکراه دورتری باشد

برهنه خوشحال کیرا گویند که از خبر پیاده شد و خارج
فوق العاده علیق بالهانی که در ششماه اخیر فراموش شده بود گامی باغش را
آزوده نگاه و مقابل مشت و حریف نه زد و لیرانه باز نموده و
با بنم گفتا کرده و بر حایه با آنکه در قضای خیلی نزدیک و مجاورت
باشد فریاد برزند

تاجر ملت سکی روزانه فروش اینز گویند ابن اوفت
اعلان

چون بعضی از دوستان و بیگان برای ملاقات و پارو ملاقات
بطرف کسما که محل اقامت فعلی ما است می آیند اولاً محتاج
ایاب و زباب بکینوع تجلی با قایان محترم است تا نیانه می
دهین راه بجای چندی معطل شوند و این خود ایاب
رحمت برای دوستان و خلعت فدایان است بهر نیت
که در رشت هم ملک محترم آقای عتت لره خازا که قبول
رحمت فرموده است نمایندگی فدایان را قبول کرده اند
ملاقات کرده و در ایباب کب تکلیف کامل از ایشان
بر نمایند تا اغلب متحمل رحمت و خارج نده و در ضایل
ملاقات داشته باشند از روی دستور صمیمی باشد که ایاب
معطل بن راه شماری فدایان شود او محفل کو یک جنگلی